

مسئولیت شرکت مادر به واسطه کنترل شرکت فرعی فاقد سرمایه کافی در حقوق آلمان و ایران

فرشته احمدی نیا *

رسول مظاهری کوهانستانی **

منوچهر توسلی نائینی ***

علیرضا آرش پور ****

DOI: 10.22096/LAW. 2022.113674.1517

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵]

چکیده

شرکت‌های گروهی، مجموعه‌ای از شرکت‌های مادر و شرکت‌های فرعی مستقل هستند که عملکرد آن‌ها به‌عنوان یک واحد اقتصادی از طریق یک منبع مشترک کنترل می‌شود. این شرکت‌ها از یک سو به‌واسطه اینکه اعضای گروه (شرکت‌های فرعی) تحت کنترل و هدایت شرکت مادر، به‌منظور نیل به اهداف و منافع جمعی عمل می‌کنند، در برابر اشخاص از نظر اقتصادی به‌صورت یک مجموعه واحد اقتصادی جلوه می‌کنند؛ همچنان که از نظر حقوقی، هرکدام از این شرکت‌های فرعی دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند و هر یک حقوق و تعهدات ویژه خود را دارند. حقوق آلمان به‌عنوان نظام پیشرو در عرصه حقوق شرکت‌های گروهی، ضمن پذیرش اصل استقلال شخصیت حقوقی و قاعده مسئولیت محدود، شرکت مادر را به‌واسطه هدایت و کنترل شرکت فرعی فاقد سرمایه یا دارای سرمایه ناکافی و نامتناسب با اهداف اقتصادی شرکت، مسئول تأدیه دیون و تعهدات شرکت فرعی

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
** استادیار دانشکده حقوق، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
*** دانشیار دانشکده حقوق، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
**** دانشیار دانشکده حقوق، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.



در برابر اشخاص ثالث می‌داند. در حقوق ایران، مسئولیت ناشی از به‌کارگیری شرکت فاقد سرمایه کافی، بر مبنای اصول حقوقی پذیرفته‌شده؛ از جمله توافق ضمنی بر خرق اختیاری، تبعیت از قصد واقعی، نظریه نمایندگی و نظریه منع سوءاستفاده از حق (امتیاز مسئولیت محدود) قابل توجیه به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: شرکت فرعی؛ شرکت مادر؛ شرکت‌های گروهی؛ تئوری کنترل؛ ناکافی بودن سرمایه.



مقدمه

شرکت‌های گروهی مجموعه‌ای از شرکت‌های مستقل، شامل شرکت مادر و شرکت‌های فرعی هستند که به‌عنوان مجموعه واحد اقتصادی از سوی منشأ مشترک کنترل می‌شوند. چنانچه شرکت مادر بدون اشتغال در امور تولیدی و خدماتی به‌عنوان مالک سهام، صرفاً به مدیریت امور سهام شرکت‌های فرعی و کنترل آن‌ها بپردازد، شرکت هلدینگ نامیده می‌شود. بند ۲۲ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار^۱ ایران با مترادف دانستن شرکت مادر و شرکت هلدینگ، آن را به‌عنوان شرکتی معرفی می‌کند که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌پذیر برای کسب انتفاع، آن قدر حق رأی کسب می‌کند که می‌تواند برای کنترل عملیات شرکت، هیئت‌مدیره انتخاب کند یا در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره اثرگذار باشد. پس کنترل شرکت‌های فرعی از سوی شرکت مادر و استقلال حقوقی شرکت‌های عضو، ویژگی مشترک همه شرکت‌های گروهی در همه نظام‌های حقوقی است.

مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت‌های فرعی به‌واسطه‌ی به‌کارگیری شرکت فرعی فاقد سرمایه کافی، در قانون و رویه قضایی آلمان که پیچیده‌ترین مقررات را در رابطه با شرکت‌های گروهی دارد، به‌خوبی تثبیت شده است؛ به‌طوری‌که این مقررات، مبنای دستورالعمل دوم شرکت‌های اتحادیه اروپا^۲ - که دستورالعمل سرمایه نیز نامیده می‌شود - در زمینه حقوق شرکت‌ها قرار گرفته است. مطالعه حقوق این کشور نشان می‌دهد که عنصر عدم کفایت سرمایه شرکت فرعی ناشی از عدم کنترل و مداخلات بهنگام شرکت مادر، مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ایجاد زیان برای اشخاص ثالث طرف معامله با شرکت فرعی و ایجاد مسئولیت برای شرکت مادر بوده است. پرسش اصلی پژوهش این است که آیا در حقوق ایران می‌توان شرکت مادر را به دلیل به‌کارگیری شرکت با سرمایه نامتناسب با امور تجاری مورد نظر، در قبال اقدامات شرکت فرعی مسئول شناخت؟ قوانین تجاری و اقتصادی ایران درباره مسئولیت ناشی از کنترل صراحتی خاص ندارند و با وجود اینکه داشتن حداقل سرمایه هم در آغاز تشکیل بیشتر شرکت‌های تجاری و نیز در ادامه فعالیت آن‌ها شرط است، ولی ضمانت‌اجرای قانونی عدم رعایت این شرط مهم از سوی سهامداران و استفاده‌کنندگان از شرکت، ایجاد مسئولیت در قبال دیون و تعهدات شرکت فرعی نیست؛ بلکه این موضوع به انحلال شرکت یا کاهش اجباری سرمایه منجر می‌شود. از حیث دکترین حقوقی نیز هرچند مقالاتی در رابطه با خرق حجاب

۱. بند ۲۲ ماده ۱ قانون اوراق بهادار. شرکت مادر (هلدینگ) شرکتی است که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌پذیر برای کسب انتفاع، آن قدر حق رأی کسب می‌کند که برای کنترل عملیات شرکت، هیئت‌مدیره را انتخاب کند و یا در انتخاب هیئت‌های مدیره مؤثر باشد.

2. Second Company Law Directive 2012/30/EU (some times also called the "Capital Directive").

شخصیت حقوقی شرکت و عبور از شخصیت حقوقی شرکت به رشته تحریر در آمده است، لیکن در هیچ‌یک مسئولیت شرکت مادر به واسطه به کارگیری شرکت فرعی با سرمایه ناکافی و نامتناسب با اهداف اقتصادی شرکت مورد بررسی قرار نگرفته است. نویسندگان مقاله «عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس»^۱ بر نقش تقلب در خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت تأکید داشته‌اند، ولی در عنوان مقاله و همچنین متن مقاله از عبارت عبور از شخصیت حقوقی شرکت استفاده کرده‌اند؛ در حالی که مضمون مقاله بیانگر خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت است و حال آنکه خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت و عبور از شخصیت حقوقی شرکت تفاوت‌های عمده و اساسی دارند که در این پژوهش مجال برای پرداختن به این موضوع نیست. نویسنده مقاله «مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت‌های فرعی در حقوق فرانسه، بلژیک و ایران»^۲ افزون بر تحقیق نکردن در حقوق آلمان که مهد شرکت‌های گروهی است، از حیث محتوی و موضوع نیز ناکافی بودن سرمایه را به عنوان یک عامل مهم ایجاد مسئولیت مورد بررسی قرار نداده، تنها به بررسی مبانی کلی خرق حجاب شرکت در بلژیک و فرانسه و در عین حال، تطبیق آن با حقوق ایران پرداخته است. نویسندگان مقاله ارزشمند «اقامه دعوا علیه بنگاه‌های چندملیتی: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، چالش‌ها»^۳ نیز بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و جنبه‌های اقامه دعوی بین‌المللی راجع به این نوع مسئولیت تأکید داشته‌اند که با موضوع پژوهش حاضر تفاوت آشکار و اساسی دارد. مقاله «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران؛ تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت نشده شرکت»^۴ نیز به تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه‌ای در برابر اشخاص طرف معامله با شرکت که عمدتاً از سوء مدیریت و تقصیر آن‌ها ناشی می‌شود، پرداخته است. مقاله «بررسی تطبیقی مبانی خرق حجاب شرکت در حقوق انگلستان، ایالات متحده و ایران» اثر نویسندگان پژوهش حاضر، به بررسی مبانی خرق حجاب شرکت پرداخته که در آنجا تمرکز بر مبانی خرق حجاب شرکت در حقوق انگلستان و

۱. مرتضی شهبازی‌نیا و دیگران، «عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس»، حقوقی دادگستری ۷۵، شماره ۷۴ (تابستان ۱۳۹۰): ۳۹-۹. <https://dx.doi.org/10.22106/fjlj.2011.11082>

۲. علی رضائی، «مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه (مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، بلژیک و ایران)»، مطالعات حقوق تطبیقی ۸، شماره ۱ (فروردین ۱۳۹۶): ۱۵۱-۱۷۷. <https://dx.doi.org/10.22059/jcl.2017.62528>

۳. محمدجعفر قنبری جهرمی و رحیم باغبان، «اقامه دعوا علیه بنگاه‌های چندملیتی: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، چالش‌ها»، فصلنامه تحقیقات حقوقی ۱۷، شماره ۶۷ (آذر ۱۳۹۳): ۱۸۹-۲۱۴.

۴. لعیا جنیدی و ملیحه زارع، «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران: تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت‌نشده شرکت»، مطالعات حقوق تطبیقی ۶، شماره ۱ (فروردین ۱۳۹۴): ۸۵-۱۰۵. <https://dx.doi.org/10.22059/jcl.2015.54403>

ایالات متحده بوده است؛^۱ درحالی که این پژوهش به تبیین مسئولیت بر اساس کنترل و وظیفه مراقبت و مسئولیت ناشی از به کارگیری شرکت با سرمایه نامتناسب با تکیه بر حقوق آلمان می پردازد. بدین ترتیب، در قوانین و دکترین حقوقی ایران راه حلی روشن به منظور مقابله با سوء استفاده از قواعد اولیه مسئولیت محدود و استقلال شخصیت حقوقی شرکت فرعی و به کارگیری شرکت با سرمایه ناکافی پیش بینی نشده است؛ درحالی که مسئولیت به واسطه کنترل در حقوق بیشتر کشورها شناخته شده است و به عنوان مثال در حقوق فرانسه با عنوان «Autorite» شناخته می شود و در حقوق آن کشور به عنوان قاعده در حوزه های مختلف مدنی و تجاری در سطح وسیع کاربرد دارد، ولی در حقوق ایران هرچند مسئولیت های ناشی از کنترل در قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی در خصوص مسئولیت کارفرما در برابر اقدامات کارگر و مسئولیت اشخاصی که نگهداری اطفال و محجورین را بر عهده دارند و مسئولیت ناشی از اشیاء و اموال تحت کنترل در مواد پراکنده مختلف مطرح شده، اما هیچ گاه به عنوان قاعده کلی در حقوق شرکت های تجاری به کار گرفته نشده است. به نظر می رسد مسئولیت ناشی از به کارگیری شرکت با سرمایه نامتناسب هم از حیث مبانی مسئولیت مدنی، نظیر ترک وظیفه کنترل و سوء استفاده از حق و هم از حیث مبانی قراردادی، نظیر نظریه نمایندگی و همچنین خرق حجاب اختیاری قابل توجیه است.

۱. حقوق آلمان

در حقوق آلمان، اصل استقلال شخصیت حقوقی و قاعده مسئولیت محدود به عنوان قاعده اولیه، هم در مورد شرکت های گروهی و هم سهامداران و مدیران آنها حاکم است؛^۲ چراکه مسئولیت محدود، به سهامدار جرئت و جسارت سرمایه گذاری و مدیریت می دهد، ولی التزام به این قاعده تا آنجاست که مورد سوء استفاده قرار نگیرد و به بی عدالتی و تعدی به حقوق دیگران نینجامد و پوشش حقوقی شرکت به عنوان سرپناه و محافظ اشخاصی که مرتکب جرم و سوء استفاده می شوند، مورد استناد واقع نشود.^۳ آلمان یکی از منظم ترین و پیچیده ترین مقررات را در زمینه روابط شرکت های گروهی دارد که مبنای دومین دستورالعمل شرکت های گروهی اتحادیه اروپا قرار گرفته است. مطابق این مقررات، منافع سهامداران باید به طور موازی و در عرض هم حفظ شود، ولی

۱. فرشته احمدی نیا، رسول مظاهری کوهانستانی و منوچهر توسلی نائینی، «بررسی تطبیقی مبانی خرق حجاب شرکت در حقوق انگلستان، ایالات متحده آمریکا و ایران»، مطالعات حقوقی ۱۱، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۸): ۱-۳۵. <https://dx.doi.org/10.22099/jls.2019.5202>

2. Peter Behrens, "Der Durchgriff über die Grenze", *RebelsZ* 46, no. 2 (2005): 353.

3. Carsten Altig, "Piercing the Corporate Veil in American and German Law- Liability of Individuals and Entities: A Comparative View", *Tulsa Journal of Comparative and International Law* 2, no. 187 (2008): 190.

اگر شرکت تحت سلطه اکثریت سهامداران قرار گیرد^۱ یا یک سهامدار عمده تصمیمات و منویات خود را به شرکت تحمیل کند، توازن بین منافع سهامداران به هم می‌خورد و مداخله قانون را می‌طلبد.^۲ هدف حقوق آلمان در خرق حجاب شرکت و پیش‌بینی مسئولیت برای شرکت مادر، عمدتاً حمایت از منافع سهامداران اقلیت که کنترلی بر شرکت ندارند و اشخاص ثالث است و این هدف گاه به روش مستقیم از طریق حفظ دارایی شرکت فرعی و یا به روش غیرمستقیم و از طریق خرق حجاب شرکت و مراجعه به سهامداران حاصل می‌شود.^۳ به‌طور کلی، مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت‌های فرعی در حقوق آلمان بر دو مبنای ساختاری و رفتاری بنیان نهاده شده است که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. مبانی رفتاری و مبانی ساختاری مسئولیت شرکت مادر

مسئولیت شرکت مادر بر اساس دو مبنای ساختاری و رفتاری محقق می‌گردد. در مبنای ساختاری، عضویت در گروه و قرار گرفتن شرکت میان گروهی از شرکت‌ها و روابط ویژه متقابل آن‌ها، مسئولیت شرکت‌ها در قبال یکدیگر را به دنبال دارد؛ به‌عنوان مثال سلطه و کنترل شرکت مادر بر شرکت فرعی، موجب مسئولیت شرکت مادر در قبال بدهی‌ها و اقدامات شرکت فرعی می‌شود و حتی مطابق دیدگاه‌های افراطی و اصل عمل به‌ظاهر، صرف عضویت در یک گروه، کل اعضای گروه را در برابر اشخاص ثالث در حکم یک واحد اقتصادی^۴ قرار می‌دهد.^۵ شرکت‌های گروهی ممکن است به‌طور رسمی یا غیر رسمی به وجود آمده باشند. وابستگی بین اعضای گروه وقتی رسمی است که ناشی از انعقاد قرارداد بین اعضای وابسته باشد؛ به این معنا که یک یا چند شرکت فرعی و نهاد کنترل‌کننده، وارد یک رابطه قراردادی شده باشند. بخش‌های ۱۵ الی ۱۹ قانون اصلاحی شرکت سهامی آلمان^۶ ناظر بر گروه‌های قراردادی است. وابستگی وقتی غیررسمی برشمرده می‌شود که به‌صورت عملی و بالفعل ایجاد شده باشد. بخش‌های ۲۹۱-۳۱۷ قانون اصلاحی شرکت‌های سهامی آلمان حاکم بر شکل‌گیری و احکام گروه‌های عملی است. از

1. Volker Emmerich, Jürgen Sonnenschein and Mathias Habersack, *Konzernrecht: Das Recht der verbundenen Unternehmen bei Aktiengesellschaft, GmbH, Personengesellschaften, Genossenschaft, Verein und Stiftung*, (München: Verlag C.H. Beck, 2012): 190.

2. Peter Ulmer, "Glaubigerschutz im 'Qualifizierten' Faktischen GmbH-Konzern. Bemerkungen zum 'Autokran' - Urteil des BGH vom 16.9.2005", *NJW* 41, no. 5 (2005): 1580.

3. Hans Georg Koppensteiner, *Internationale Unternehmen im deutschen Gesellschaftsrecht* (Frankfurt: a.M. Athenaum, 2014), 291.

4. Single Economic Unit Doctrine.

5. Karen Vandekerckhove, *Piercing the Corporate Veil*, (U.S: Kluwer Law International, 2007), 420.

6. Amendment to the German Stock Corporation Act.

مسئولیت شرکت مادر به واسطه کنترل شرکت فرعی فاقد سرمایه کافی... / احمدی نیا و ... ۸۹

سوی دیگر، ممکن است مسئولیت مدیر و سهامدار در برابر طلبکاران شرکت از رفتار آن‌ها ناشی شود. تقلب، تدلیس، سوء استفاده از اموال شرکت و نادیده گرفتن شخصیت حقوقی، مصادیقی از رفتارهایی هستند که می‌توانند موجب خرق حجاب شرکت و مسئولیت شرکت مادر شوند. بنابراین در فرازهای بعدی، مبانی‌ای که از حیث رفتاری و ساختاری موجب مسئولیت می‌شوند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۱-۱. مبانی رفتاری مسئولیت شرکت مادر

رفتارهای شناخته شده‌ای در رویه قضایی و قانون آلمان وجود دارد که اگر شرکت مادر مرتکب آن شود، خرق حجاب شرکت را توجیه می‌کند. در ادامه، به منظور تبیین جایگاه بحث ناکافی بودن سرمایه، به اختصار به این مبانی اشاره می‌گردد.

۱-۱-۱-۱. مسئولیت شرکت مادر به واسطه نمایندگی

در صورتی که نوعی رابطه نمایندگی بین سهامدار و شرکت و یا شرکت فرعی و شرکت مادر احراز گردد، دادگاه‌های آلمان به طور معمول امر به برداشتن حجاب شرکت و مسئولیت شرکت مادر می‌نمایند.^۱ رابطه نمایندگی می‌تواند در جایی بروز و ظهور پیدا کند که شرکت مادر درگیر مذاکرات جاری بین شرکت فرعی و یک شخص ثالث بر سر انعقاد قرارداد و دیگر امور باشد. در این شرایط، شرکت مادر بر مبنای قاعده لاتین تخلف ناشی از قرارداد^۲ و رابطه توأم با اعتماد، در برابر طرف معامله که به پشتیبانی شرکت مادر از شرکت فرعی اعتماد کرده است، مسئول شناخته می‌شود.^۳ از سوی دیگر، این امکان نیز وجود دارد که شرکت فرعی، به عنوان مسئول تدارکات یا فروش محصولات شرکت مادر عمل کند و خود فعالیت تجاری مستقلی جز با شرکت مادر و دیگر اعضای گروه نداشته باشد. در چنین شرایطی نیز اقدامات شرکت فرعی، متوجه شرکت مادر خواهد شد.

۱-۱-۱-۲. مسئولیت شرکت مادر به دلیل ناکافی بودن سرمایه شرکت فرعی

ناکافی بودن سرمایه شرکت از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که در رویه قضایی آلمان موجب مسئولیت شرکت مادر می‌شود. ناکافی بودن سرمایه شرکت به دو شکل قابل تحقق است. گاه کمبود سرمایه به صورت اسمی بر اثر عدم رعایت قوانین مربوط به حداقل سرمایه اسمی لازم برای

1. Maximilian Schiessl, "The Liability of Corporations and Shareholders for the Capitalization and Obligations of Subsidiaries in German Law", *Northwestern Journal of International Law and Business* 7, no. 3 (2013): 493-494.

2. Culp in Contrahendo.

3. José Engrácia Antunes, "The Liability of Polycorporate Enterprises", *Connecticut Journal of International Law* 13, no. 197 (2005): 1.

تشکیل شرکت و ادامه فعالیت شرکت که در آلمان مجری است، اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، قوانین موضوعه در ارتباط با حداقل سرمایه لازم برای تشکیل یا اداره شرکت رعایت نمی‌شود.^۱ این قسم از عدم کفایت سرمایه که به ساختار شرکت مربوط می‌شود، شایع نیست؛ چراکه قوانین کشورهای عمدتاً مانع از تشکیل چنین شرکت‌هایی است. مورد شایع‌تر، کمبود سرمایه شرکت است که کمبود سرمایه مؤثر نامیده می‌شود و زمانی محقق می‌گردد که میزان سرمایه تدارک دیده شده برای یک فعالیت تجاری یا پروژه در قیاس با حجم و دامنه امور تجاری پذیرفته شده از سوی شرکت ناکافی باشد. به عبارت دیگر، عدم تناسب آشکار میان سرمایه شرکت و فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده آن، می‌تواند موجب عدم کفایت سرمایه شرکت گردد و مسئولیت شرکت مادر را در پی داشته باشد.^۲ مسئولیت شرکت مادر به دلیل ناکافی بودن فاحش سرمایه در حقوق آلمان بر اساس دو مبنای قانون مسئولیت مدنی و نظریه سوء استفاده از حق توجیه می‌شود که ذیلاً به شرح مبانی فوق پرداخته می‌شود.

۱-۱-۲-۱. مبنای مسئولیت مدنی

یکی از مبانی سنتی مقابله با ناکافی بودن مؤثر سرمایه که مورد اقبال و استناد رویه قضایی قرار گرفته ماده ۸۲۶ قانون مدنی است. مطابق این ماده، وقتی زیان وارده ناشی از مسئولیت مدنی به واسطه اقدام عامدانه مرتکب، علیه معیارهای اخلاق حسنه یا اخلاق عامه باشد، مرتکب مسئول جبران خسارت می‌شود.^۳ در اینجا لازم نیست دادگاه احراز کند که قصد اضرار به دیگری عمدی بوده، بلکه اقدام علیه اخلاق حسنه باید عمدی باشد. از نظر رویه قضایی آلمان، همین که اقدام شخص در تقابل با نظم اقتصادی و حقوقی موجود قرار گیرد، منافی با اخلاق حسنه است. افزون بر ماده ۸۲۶، ماده ۸۲۳II قانون مدنی نیز متضمن قاعده‌ای به نام حمایت^۴ در حوزه مسئولیت مدنی است که به موجب آن، اگر قاعده‌ای عمومی یا خصوصی که برای حمایت از اشخاص وضع شده است از حیث مضمون یا هدف نقض شود، مسئولیت مدنی ایجاد می‌شود. در اینجا، مقررات حداقل سرمایه برای حمایت از عموم طلبکاران شرکت وضع شده است و با نقض آن برای ناقض، مسئولیت ایجاد می‌شود.

1. Handel Lee and David Blumental, "Parent Company and Shareholder Liability: Piercing the Corporate Veil of Chinese Corporate Subsidiaries", *Business Law International* 5, no. 2 (2012): 227.
2. Stephen Griffin, "Holding Companies and Subsidiaries - the Corporate Veil", *Comp. Lawyer* 12, no. 5 (2012): 17; Fiona Tolmie, *Introduction to Corporate and Personal Insolvency Law* (London: Sweet & Maxwell, 2012), 255; Schiessl, "The Liability of Corporations", 495.
3. Karsten Schmidt, "Gesellschafterhaftung und 'Konzernhaftung' bei der GmbH. Bemerkungen zum 'Bremer Vulkan' -Urteil des BGH vom 17.9. 2001", *NJW* 3577, no. 3580 (2001): 245-246; Marcus Lutter, "Die Haftung wegen Existenzvernichtung", *ZGR* 32, no. 3 (2003): 268.
4. Schutzgesetz.

۲-۱-۱-۱. مبنای سوء استفاده از حق

نظریه سوء استفاده از حق، اساس سنتی دیگری برای حکومت بر موضوع کمبود سرمایه بر اثر ورشکستگی شرکت‌های با مسئولیت محدود برشمرده می‌شود. این مبنا بیشتر مدنظر دکترین حقوقی بوده، ولی آرای قضایی نیز از آن پشتیبانی کرده است.^۱ بر اساس این مبنا، سهامدارانی که شرکتی با سرمایه اندک را در کارهای بزرگ به کار گرفته‌اند، از حدود اختیارات خود خارج شده و از حق قانونی خود تجاوز کرده‌اند. در مورد چگونگی اعمال نظریه سوء استفاده از حق در ادبیات حقوقی و رویه قضایی اختلاف عقیده وجود دارد.^۲ برخی معتقدند که اثبات سوء استفاده از حق به صورت عینی برای متعهد کردن مرتکب آن، کفایت می‌کند.^۳ در این دیدگاه، کافی است اثبات شود که شخص حقوقی به گونه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است که در راستای هدفش نیست. سوء استفاده از حق در خصوص کمبود سرمایه بر اثر ورشکستگی زمانی اتفاق می‌افتد که سرمایه شرکت به‌طور آشکار آن قدر کم است که هیچ تضمین معناداری در شرایط بحرانی برای طلبکاران باقی نمی‌ماند. در نتیجه، در چنین شرایطی می‌توان گفت که اهداف قانون‌گذار در خصوص وجود حداقل سرمایه و حفاظت از آن در طول حیات شرکت، مورد سوء استفاده قرار گرفته است. در این حالت، سهامداران نمی‌توانند از قاعده مسئولیت محدود سود ببرند یا به آن استناد نمایند.^۴ مطابق این دیدگاه که در رویه قضایی و در سطح دادگاه‌های فدرال حمایت می‌شود، لازم نیست سوء استفاده وصف مجرمانه داشته باشد و به درجه جرم برسد.^۵ در مقابل، عده دیگر معتقدند که هیچ معیار استاندارد عینی برای تشخیص میزان سرمایه‌ای که از نظر اقتصادی مورد نیاز شرکت است، وجود ندارد؛ بنابراین معیار عینی برای ارزیابی کمبود سرمایه بر اثر ورشکستگی قابلیت اعمال ندارد.^۶ برخی دیگر بین حالتی که سهامداران اثبات کنند وضعیت سرمایه شرکت خود را به طرف قرارداد اطلاع داده‌اند و حالتی که اطلاع نداده باشند، تفاوت قائل شده، حالت دوم را باعث مسئولیت می‌دانند.^۷ گروه دیگر با شخصی و ذهنی کردن نظریه سوء استفاده از حق، عقیده دارند برای اینکه سهامداران مسئول

1. Lutter, "Die Haftung", 268; Ulmer, "Glaubigerschutz", 1736.

2. Marie-Louise Lennarts, *Concernaansprakelijkheid* (Deventer: Kluwer, 2011), 102-103.

3. Lutter, "Die Haftung", 258.

4. Max Hachenburg, *Gesetz Betreffend die Gesellschaften mit Beschränkter Haftung (GmbH) Großkommentar*, ed. Peter Ulmer (Berlin/New York: De Gruyter, 2005), 1086-1087.

5. Schmidt, "Gesellschafterhaftung", 250.

6. Schmidt, "Gesellschafterhaftung", 250.

7. Altling, "Piercing the Corporate", 215-216.

شناخته شوند، باید اثبات شود آن‌ها می‌دانسته‌اند یا باید می‌دانسته‌اند که سرمایه شرکتشان در مقایسه با فعالیتی که در دستور کار دارند، ناکافی بوده است.^۱

شایان ذکر است چنانچه شرکت از زمان تشکیل شخصیت حقوقی دچار کمبود سرمایه بوده باشد، مسئولیت متوجه همه تأسیس‌کنندگان و سهامداران قبلی هم می‌شود و چنانچه شرکت در مراحل بعدی دچار نقصان سرمایه شود و یا به علت فعالیت‌های گسترده خارج از توان شرکت، بعداً کمبود سرمایه آن هویدا گردد، تنها سهامدارانی که در ناکافی بودن دارایی مؤثر بوده‌اند، مسئولیت خواهند داشت.^۲ ضمن اینکه، طلبکارانی که با علم و اطلاع از وضعیت مالی شرکت با آن وارد معامله شده‌اند، به زیان خود اقدام کرده، نمی‌توانند از سهامداران ادعای طلبی داشته باشند.

۳-۱-۱. مسئولیت شرکت مادر به واسطه ادغام دارایی‌ها

ادغام دارایی‌ها که در شرکت‌های گروهی بسیار شایع است، یکی از الگوهای است که رویه قضایی آلمان با استفاده از آن حجاب شرکت را خرق کرده است. این مقوله تحت دو عنوان ادغام دارایی‌ها^۳ و بی‌اعتنایی به قواعد شکلی و شخصیت حقوقی شرکت^۴ مطرح شده است.^۵ ادغام زمانی رخ می‌دهد که دارایی شرکت و سهامدار تفکیک پذیر نباشد و بی‌اعتنایی به شخصیت شرکت نیز به شرایطی گفته می‌شود که هویت یا ذات واقعی شرکت برای اشخاص ثالث طرف معامله، روشن و شفاف نباشد.^۶ پرونده‌های زیادی در رابطه با ادغام در محاکم آلمان مطرح شده است. در یک مورد، دادگاه به دلیل تعلق دارایی‌های تنها سهامدار یک شرکت به شرکتی با مسئولیت محدود^۷ که ورشکسته نیز شده بود، مسئولیت محدود شرکت اولیه را رد کرد؛ براین اساس که هیچ تمایز و تفکیکی بین دارایی‌های دو شرکت وجود نداشت. در نتیجه، شرکت‌های مادر و فرعی را به‌عنوان یک کل واحد تلقی کرد.^۸ پرونده‌های فراوانی در رابطه با بی‌اعتنایی به شخصیت حقوقی شرکت

1. Walter Stimpel, "Die Rechtsprechung des Bundesgerichtshofes zur Innenhaftung des Herrschenden Unternehmens im GmbH-Konzern", *AG* 2, no. 1 (2000): 243; Schmidt, "Gesellschafterhaftung", 243.

2. Marcus Lutter and Peter Hommelhoff, *GmbH-Gesetz. Kommentar* (Köln: Dr. Otto Schmidt, 2003), 159.

3. Vermoegensermischung.

4. Sphaerenvermischung.

5. Alting, "Piercing the Corporate", 215.

6. Alting, "Piercing the Corporate", 215-216.

7. GmbH.

8. Wolfgang Vonneman, "Die Haftung im Qualifizierten Faktischen GmbH-Konzern", *BB* 10, no. 6 (2012): 190.

مسئولیت شرکت مادر به واسطه کنترل شرکت فرعی فاقد سرمایه کافی... / احمدی نیا و ... ۹۳

در آلمان مطرح شده است. نادیده گرفتن شخصیت حقوقی می‌تواند با راه‌های مختلف محقق گردد. برخی از نمونه‌های رایج آن عبارت‌اند از: عدم حسن نیت، تقلب و سوء استفاده از دارایی‌ها و شکل شرکت. وقتی سهامدار در عمل، اموال شرکت را به مثابه دارایی‌های شخصی خود تلقی نماید و یا به وسیله تأسیس یک شرکت دیگر، مفاد قراردادهای شرکت نخست را اجرا کند، از طریق خرق حجاب شرکت، شخصاً به انجام تعهدات قراردادی یا جبران خسارت ملزم می‌شود.^۱

۴-۱-۱-۱. مسئولیت شرکت مادر به واسطه تقلب و ظاهر سازی

در رویه قضایی آلمان، تقلب می‌تواند به عنوان معیاری برای برداشتن حجاب شرکت به کار گرفته شود و از آن به عنوان سوء استفاده از اصل آزادی تشکیل شرکت نام برده می‌شود.^۲ بر اساس این نظریه، در صورتی که از نهاد شرکت به منظور فریب دادن طلبکارها در راستای القای تصور اشتباه از هویت و موجودیت واقعی شرکت استفاده شود، خرق حجاب امکان‌پذیر می‌گردد. این مسئله در برخی موارد زمانی اتفاق می‌افتد که شرکت مادر با شرکت فرعی از اسامی مشابه و نشانی واحد استفاده می‌کنند.^۳ به طور کلی، هرگاه کسی خود را نماینده شرکت معرفی کند و بر این اساس هر نوع سند، حواله، سفته، چک، ظهنویسی و دیگر اقدامات را انجام دهد، در قبال شخصی که به اشتباه افتاده است، مسئول شناخته می‌شود. رویه قضایی آلمان در حوزه برداشتن حجاب شرکت متشکست بود تا اینکه در سال ۱۹۶۵ به منظور تنظیم روابط مابین شرکت‌های مادر و فرعی، حقوق شرکت‌های وابسته یا «Konzerrecht» با عنوان چهارچوب حقوقی شرکت‌های گروهی مورد تصویب قرار گرفت که در این مقاله به عنوان دستاورد مهم و منحصر به فرد حقوق آلمان، به آن پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱. میانی ساختاری مسئولیت شرکت مادر

در فراز پیشین گفته شد که عضویت در گروه شرکت‌ها می‌تواند موجب ایجاد مسئولیت باشد. حقوق آلمان دارای مقررات قانونی منحصر به فردی برای تنظیم روابط شرکت‌های گروهی است. این تمایز به واسطه تعریف و تنوع انواع گوناگون شرکت‌های گروهی و انتساب مسئولیت‌های متنوع به آن‌ها به وجود آمده است.^۴ در سال ۱۹۶۵ اصلاحیه‌ای برای قانون شرکت سهامی آلمان به نام

1. Andreas Cahn, "Die Ausfallhaftung des GmbH-Gesellschafters. Besprechung der Entscheidung BGHZ 150, 61", ZGR 32, no. 2 (2012): 310.

2. Volker Emmerich, "Der Heutige Stand der Lehre vom GmbH-Konzerrecht", AG 32, no. 1 (2012): 229-230.

3. Emmerich, "Der Heutige Stand", 230.

4. Karl Hofstetter, "Parent Responsibility for Subsidiary Corporations: Evaluating European Trends", *the International and Comparative Law Quarterly* 39, no. 3 (July 2010): 577.

«Aktiengesetz» تدوین شد. این قانون که در مورد شرکت‌های سهامی بزرگ موسوم به «Aktiengesellschaft» اعمال می‌شود، موجب کاهش مراحل خرق حجاب شرکت می‌گردد؛ به طوری که روابط شرکت مادر و شرکت‌های فرعی را در قالب شرکت‌های گروهی کنترل می‌کند. این مقوله با عنوان «Concern Law» یا به آلمانی «Konzernrecht» یا حقوق شرکت‌های وابسته شناخته می‌شود. مقررات مرتبط با شرکت‌های گروهی در قانون یادشده در بخش‌های ۱۵ الی ۱۹ تحت عنوان گروه‌های قراردادی^۱ و ۲۹۱ الی ۳۱۶ با عنوان گروه‌های بالفعل یا عملی^۲ آمده است که این قانون پیشرفته‌ترین نوع خود در سطح جهان است.^۳ قانون یادشده دارای سرفصل‌هایی است که به استانداردهای حسابداری، حقوق سهامداران و چگونگی به دست آوردن مالکیت شرکت‌ها می‌پردازد.^۴

مقررات تنظیم‌کننده روابط شرکت‌های گروهی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش نخست، قانون شرکت‌های سهامی^۵ که تنها در مورد شرکت‌های سهامی عام^۶ قابل اجراست^۷ و بخش دوم که عمدتاً از رویه قضایی تأثیر پذیرفته است، تکامل یافته اصول و قواعد ذاتی مربوط به شرکت‌های سهامی است که با روش قیاسی، مقررات آن به شرکت‌های خصوصی یا مسئولیت محدود^۸ یا «GmbH» تعمیم داده شده است.^۹ قانون شرکت‌های گروهی آلمان در بسیاری از نظریه‌ها و طرح‌های پیشنهادی در اروپا به عنوان الگو مورد استفاده قرار گرفته است^{۱۰} که یک نمونه از آن، نهمین دستورالعمل اتحادیه اروپاست.^{۱۱} خرق حجاب در شرکت‌های سهامی در آلمان از دو طریق گروه‌های رسمی و گروه‌های بالفعل امکان‌پذیر است که در فرازهای آتی به اختصار به آن پرداخته می‌شود.

1. Contractual Groups.
2. De facto Groups.
3. Phillip I. Blumberg, "The Law of Corporate Groups- Substantive Law" in *Parent Responsibility for Subsidiary Corporations: Evaluating European Trends*, ed. Karl Hofstetter (U.S: International and Comparative Law Quarterly, 2013), 462-463.
4. Cahn, "Die Ausfallhaftung", 310.
5. Aktiengestez.
6. Aktiengesellschaft.
7. Gerd Krieger, "Kann die Praxis mit TBB Leben?", *ZGR* 23, no. 3 (2005): 142.
8. Gesellschaft mit beschränkter Haftung.
9. Alting, "Piercing the Corporate", 234.
10. Sandra Miller, "Piercing the Corporate Veil among Affiliated Companies in the European Community and in the U.S: A Comparative Analysis of U.S., German and U.K. Veil Piercing Approaches", *American Business Law Journal* 36, no.1 (2006): 102.
11. Ninth Company Law directive

۱-۲-۱. گروه‌های رسمی

۱-۲-۱-۱. گروه‌های قراردادی

گروه‌های قراردادی به موجب انواع توافق‌نامه‌های خاصی که به وسیله قانون پیش‌بینی شده‌اند، به وجود می‌آیند و نتیجه نهایی چنین توافقاتی این است که ساختار شرکت فرعی به گونه‌ای اصلاح می‌شود که در راستای منافع گروه باشد یا دست‌کم به طور انحصاری به نفع خود عمل نکند. برخی از توافق‌نامه‌هایی که به موجب بخش‌های ۲۹۱ الی ۳۱۶ قانون شرکت‌های سهامی پیش‌بینی شده‌اند، عبارت‌اند از: توافق‌نامه‌های حاکمیت،^۱ توافق‌نامه مدیریت،^۲ توافق‌نامه ادغام^۳ و توافق‌نامه عملیات.^۴ در میان این توافق‌نامه‌ها، توافق‌نامه‌های حاکمیت (کنترل) مهم‌ترین مورد است. وقتی شرکت‌های وابسته، قرارداد حاکمیت را با شرکت مادر منعقد می‌کنند، شرکت گفته‌شده این امکان را پیدا می‌کند که به مدیریت شرکت فرعی دستورات الزام‌آور بدهد و شرکت فرعی نیز ملزم به تبعیت است، حتی اگر شرکت فرعی اجرای دستورات را مغایر با منافع خودش یا گروه بداند. تنها در صورتی که دستورات خلاف قانون باشد، شرکت فرعی حق دارد از اجرای آن خودداری کند و چنانچه دستورات مضر به حال شرکت فرعی و مفید به حال گروه باشد، مدیران مسئولیت پیدا نمی‌کنند.^۵ یکی دیگر از نتایج قراردادهای کنترل آن است که شرکت فرعی ممکن است بی‌آنکه متحمل خطر نقض قوانین شرکت شود، از منافع شرکت خود به نفع منافع گروهی که به آن تعلق دارد، چشم‌پوشی کند.^۶ افزون بر این، مقررات عمومی در باب توزیع مساوی منافع میان سهامداران، در این شرکت‌ها تا حدودی به نفع شرکت مادر کنار گذاشته می‌شود.^۷ به منظور جبران خطرات و زیان‌هایی که از قرارداد کنترل بر شرکت فرعی تحمیل می‌شود، معمولاً به موجب توافق‌نامه کنترل، شرکت مادر از باب خرق اختیاری در برابر طلبکاران شرکت فرعی مسئولیت پیدا می‌کند. بنابراین در روش‌های قراردادی، شرکت فرعی در خدمت منافع گروه قرار می‌گیرد و شرکت مادر متقابلاً ملزم است زیان‌های خالص سالانه شرکت تحت کنترل را در طول دوره

1. Gewinnabfuhrungsvertrag.

2. Geschäftsführungsvertrag.

3. Gewinngemeinschaft.

4. Betriebspachtvertrag.

5. Hiroshi Motomura, "Protecting Outside Shareholders in a Corporate Subsidiary: a Comparative Look at the Private and Judicial Rules in the United States and Germany", *WIS.L.REV* 61, no. 17 (2005): 100.

6. Bernhard Großfeld, "Die Anerkennung der Rechtsfähigkeit juristischer Personen", *RabelsZ* 31, no. 1 (2010): 595.

7. Frank Wooldridge, "Controlling Shareholders' Liabilities in German Private Companies", *Company Lawyer* 26, no. 81 (2012): 286.

قرارداد، پرداخت نماید. این توافق در دفتر ثبت تجارتي ثبت و برای اطلاع عموم منتشر می‌گردد؛ بنابراین طلبکاران قادر خواهند بود به آسانی به ماهیت توافق بین شرکت فرعی و مادر دست یابند و به آن استناد نمایند و در صورت خاتمه یا انقضای مدت توافق نیز مطابق ماده ۱-۳۰۳ قانون شرکت‌های سهامی، در صورتی که خسارت یا دعوی مربوط به آن، پیش از ثبت خاتمه قرارداد در دفتر ثبت تجارتي رخ داده باشد، شرکت مادر مسئولیت آن را بر عهده خواهد داشت. نتیجه اینکه در گروه‌های قراردادی که شرکت‌ها بر اثر توافق، مقرراتی را در راستای حمایت از یکدیگر وضع می‌کنند، نوعی خرق حجاب اختیاری نظیر آنچه در روابط شرکت‌های تضامنی و شرکای آن‌ها در حقوق ایران وجود دارد، رخ می‌دهد.

۱-۲-۱-۲. گروه‌های متشکل از طریق ادغام اقتصادی^۱

یک نوع بسیار گسترده از گروه رسمی، تشکیل گروه شرکت‌ها از طریق ادغام است.^۲ وقتی شرکت مادر مالکیت ۹۵ درصد از سهام شرکت فرعی را دارا باشد، مجمع سهامداران شرکت فرعی ممکن است تصمیم بگیرند که شرکت فرعی را در شرکت مادر ادغام و آن‌ها را یکپارچه کنند. نتیجه این تصمیم، خرید سهام سهامداران اقلیت است. در نتیجه، شرکت از نظر اقتصادی کاملاً در شرکت مادر ادغام می‌شود، ولی استقلال حقوقی خود را حفظ می‌کند و برخلاف این استقلال رسمی و ظاهری، شرکت مادر به‌طور نامحدود، حق اعمال نظر و اتخاذ تصمیم و دادن دستورالعمل به شرکت فرعی را پیدا می‌کند.^۳ در عوض، شرکت مادر نیز متضامناً مسئول بدهی‌های حال و آتی شرکت فرعی خواهد شد و اساسنامه این نوع از شرکت‌های گروهی متضمّن خرق حجاب اختیاری شرکت است؛ به این معنا که شرکت مادر به‌صورت داوطلبانه و از روی اختیار مسئولیت‌های شرکت فرعی را در قبال اشخاص ثالث می‌پذیرد.

۱-۲-۲. گروه‌های غیر رسمی (بالفعل)

دومین راه ایجاد مسئولیت برای شرکت مادر اثبات گروه بالفعل است. در این روش، قراردادی بین شرکت فرعی و شرکت مادر وجود ندارد، بلکه اقدامات عملی که در درون گروه به وقوع می‌پیوندد، سلطه یا کنترل شرکت مادر را بر شرکت فرعی ثابت می‌کند.^۴ به موجب ماده ۳۱۷ قانون شرکت‌های سهامی، چنانچه شرکت مادر شرکت فرعی اش را وادار نماید که به یک معامله زیان‌بار که به مصلحت شرکت فرعی نیست، ورود نماید، شرکت مادر ملزم است غرامت این اقدام را پرداخت

1. Eingliederung.

2. Emmerich, "Der Heutige Stand", 230-235.

3. Koppensteiner, *Internationale Unternehmen*, 7.

4. Emmerich, "Der Heutige Stand", 233.

کند. افزون بر شرکت مادر، مدیران این شرکت نیز که عامل جهت‌دهی نادرست شده‌اند، منفرداً و متضامناً مسئول شناخته می‌شوند.^۱ در گروه‌های بالفعل یکی از مشکلات اساسی، تشخیص عامل زیان است و به علت درهم‌آمیختگی شدید اقدامات شرکت فرعی و مادر، به‌سختی می‌توان احراز کرد که زیان وارده، ناشی از اقدام کدام‌یک از دو شرکت یادشده است. در نتیجه، باید موضوع مسئولیت به‌صورت موردی بررسی شود. یک گروه بالفعل از شرکت‌ها وقتی به وجود می‌آید که شرکت کنترل‌کننده به‌طور مستمر به کنترل شرکت فرعی یا مداخله در رژیم کسب‌وکار آن شرکت پردازد و به همین واسطه، ممکن است در برابر طلبکاران، شرکت تحت حاکمیت مسئول شناخته شود.^۲ چنانچه اشخاص سهامدار نیز خارج از گروه، چنین کنترلی داشته باشند، مسئولیت پیدا می‌کنند.^۳ در نتیجه، دادگاه حجاب شرکت را خرق می‌کند. از نظر دیوان عالی، جهت خرق حجاب در شرکت‌های با مسئولیت محدود، بدون نیاز به اعمال قانون شرکت‌های سهامی از طریق قیاس، از قواعد دیگری نظیر نبود سرمایه کافی استفاده می‌شود. نتیجه اینکه با وجود اختلاف رویه‌ها و نواقص موجود در مقررات شرکت‌های گروهی در آلمان، قوانین و رویه‌های قضایی در زمینه شرکت‌های گروهی در این کشور، کامل‌ترین مقررات کنونی برشمرده می‌شود؛ هرچند تارسیدن به کمال مطلوب، راه زیادی در پیش رو دارد.

۲. حقوق ایران

در حقوق ایران، اصل استقلال شخصیت حقوقی و قاعده مسئولیت محدود، در رویه قضایی و آرای حقوقدانان مورد صیانت قرار گرفته است؛^۴ به‌طوری‌که به‌رغم وجود مبانی مختلف نظیر نظریه سوءاستفاده از حق و قواعد تسبیب، تقصیر، تدلیس، لاضرر، من له الغنم فعلیه الغرم، تبعیت اعمال حقوقی از قصد واقعی و بی‌اعتباری اعمال صوری و نظریه نمایندگی، قانون‌گذار یا رویه قضایی هنوز نتوانسته‌اند بر معضلاتی همچون تشکیل و فعالیت شرکت‌های کاغذی و استفاده ابزاری از شرکت، سوءاستفاده از ساختار مسئولیت محدود، به‌کارگیری شرکت با سرمایه ناکافی یا اتلاف و انتقال غیرقانونی دارایی شرکت بر اثر عمد یا تقصیر مدیران یا سهامداران فائق آیند و با خرق حجاب شرکت، با اشخاصی که پشت نقاب مسئولیت محدود با اضرار به دیگران، به‌طور غیرعادلانه و از طریق

1. Lutter, "Die Haftung", 260.

2. Janet Dine, *The Governance of Corporate Groups*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2005), 204.

3. Daniela Weber-Rey, "Insolvency of a German Limited Company: De Facto Shareholders, Group Liability for Individual Shareholders", *pace Int'L. Rev* 7, no. 2 (2011): 523.

۴. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری: جلد اول (تهران: نشر سمت، ۱۳۹۵)، ۹۴.

سوء استفاده از مسئولیت محدود با به کارگیری شرکت با سرمایه ناکافی منتفع می‌شوند یا هزینه‌های سوء مدیریت خود را به دیگران تحمیل می‌کنند، به مقابله برخیزند؛ هرچند مبانی ساختاری مقررات شرکت‌های گروهی آلمان که صرف عضویت در گروه شرکت‌ها را موجب ایجاد مسئولیت برای شرکت مادر می‌داند، در حقوق ایران شناخته شده و قابل اعمال به نظر نمی‌رسد، ولی می‌توان ادعا کرد که مبانی رفتاری خرق حجاب مذکور در حقوق آلمان که به اختصار مورد اشاره قرار گرفت، در فقه و حقوق ایران قابل دستیابی و استناد است، اما سیطره اصل استقلال شخصیت حقوقی و قاعده مسئولیت محدود تاکنون مجاللی به رویه قضایی^۱ و قانون‌گذار برای اعمال قواعد ثانویه مقابله با سوء استفاده از قواعد فوق را نداده است. با وجود این، می‌توان بر این عقیده بود که در حقوق ایران نیز کنترل شرکت مادر بر شرکت فرعی و به کارگیری شرکت فرعی با سرمایه نامتناسب با اهداف اقتصادی از سوی شرکت مادر، می‌تواند موجبات مسئولیت شرکت مادر را فراهم آورد.

۲-۱. ناکافی بودن سرمایه شرکت (عدم کفایت سرمایه)

هم‌اکنون، یکی از علل اصلی سوء استفاده از شخصیت حقوقی شرکت و تشکیل شرکت‌های صوری، ناچیز بودن سرمایه لازم برای تشکیل شرکت است.^۲ در شرایطی که اغلب شرکت‌ها مقررات حداقل سرمایه را ندارند، در شرکت سهامی که مقررات حداقل سرمایه حاکم است، شرکت با سرمایه اندک سی و پنج درصد از یک میلیون ریال قابل تشکیل است. دستگاه‌های مختلف عمومی و اجرایی اقبال و توجه زیادی به شرکت‌ها معطوف داشته، در عمل طرف قرارداد خود را منحصراً از بین شرکت‌ها برمی‌گزینند؛ به‌عنوان مثال ورود در مناقصه‌های عمومی و دولتی از طریق شرکت‌ها امکان‌پذیر است و بانک‌ها شرط اعطای وام و تسهیلات عمده و صدور ضمانت‌نامه بانکی را تشکیل شرکت اعلام می‌کنند و کارخانه‌های بزرگ نیز شعبه یا نمایندگی خود را منحصراً به شرکت‌ها اعطا می‌کنند که همه این گرایش‌ها، ضرورت بازنگری در مقررات سرمایه شرکت‌ها را می‌طلبد.^۳

۱. در بعضی از آراء قضایی بسیار استثنائی محاکم دادگستری (شعبه ۳۵ دادگاه عمومی تهران و شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان تهران)، به استناد پاره‌ای از قواعد فقهی و حقوقی، نظیر تبعیت عقود و تعهدات از اراده اصیل واقعی و منع سوء استفاده از حق و اضرار به غیر، معتقد شده‌اند هرگاه اراده متعهد ظاهری، تحت سلطه و کنترل مؤثر شخص دیگری قرار داشته باشد، تعهد ایجاد شده را می‌توان به اصیل واقعی منتسب دانست، لیکن این آراء استثنائی هنوز به رویه قضایی قابل استناد مبدل نشده‌اند. برای ملاحظه نقد و توجیه آراء فوق رجوع شود به:

فرشته احمدی‌نیا، «بررسی تطبیقی مسئولیت شرکت مادر در برابر اقدامات شرکت‌های تابعه در حقوق ایران، حقوق اتحادیه اروپا و انگلستان» (رساله دکترا، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۸)، ۲۳۳-۲۳۷.

۲. بهرام حسن‌زاده، «تأملی بر علل ایجاد شرکت‌های صوری از منظر ثبت شرکت‌ها»، پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، شماره ۵ (بهار و تابستان ۱۳۹۵): ۱۱-۲۸.

۳. حسن‌زاده، «تأملی بر علل ایجاد»، ۱۲-۱۵.

با استقراء در مواد قانونی، به ویژه در مورد شرکت‌هایی که شریک با مسئولیت محدود یا سهامدار دارند و نوعاً ویژگی استقلال شخصیت و مسئولیت محدود در آن‌ها بارزتر است، ملاحظه می‌کنیم که قانون‌گذار سخت‌گیری ویژه‌ای در مورد سرمایه شرکت، هم در آغاز تشکیل شرکت و هم در جریان استمرار فعالیت آن، اعمال کرده است. مطابق مواد ۹۶، ۱۱۸، ۱۸۵ قانون تجارت، شرط تشکیل شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی، سهامی و غیره این است که سرمایه شرکت به‌طور کامل به شرکت تأدیه و تسلیم شده باشد و مواد ۵، ۶، ۱۴۱، ۲۶۵ و لایحه اصلاح قانون تجارت نیز ضمن وضع مقررات حداقل سرمایه برای شرکت‌های سهامی، صیانت از این سرمایه را در طول حیات شرکت با قید مسئولیت کیفری و ضمانت اجرای مدنی (مسئولیت تضامنی) تضمین کرده است. با وجود این، مقررات در این حوزه بسیار ضعیف، ناقص، ناکارآمد و فاقد ضمانت اجرای مؤثر و کافی است؛ چراکه در شرکت‌های غیر سهامی، مقرراتی برای حداقل سرمایه وجود ندارد و در شرکت‌های سهامی نیز حداقل سرمایه مقرر در قانون و مبلغ نقدی که باید هنگام تشکیل شرکت تأدیه شود، با وصف اینکه تنها سی و پنج درصد آن باید نقداً تأدیه شود، به قدری ناچیز است که در عمل با شرکت فاقد سرمایه یکی است و لذا شرکت در بدو تأسیس ورشکسته متولد می‌شود.

از سوی دیگر، اشخاصی که با سرمایه ناکافی و غیرمتناسب با اهداف و موضوع آن، شرکت تشکیل می‌دهند یا با گرفتن وام و تسهیلات و اجرای سیاست‌هایی، اعلام ورشکستگی شرکت را به تأخیر می‌اندازد و مقررات اعلام بهنگام ورشکستگی را نقض می‌کنند، ممکن است به دلیل نقض قوانین ناظر بر اعلام بهنگام ورشکستگی نظیر مواد ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۳۵ قانون تجارت، به علت تعمیق ناتوانی شرکت تجاری در پرداخت دین بر طبق قواعد عام اتلاف و تسبیب و قواعد مربوط به منع اضرار به غیر، مسئول شناخته شوند.^۱ بنابراین، به نظر می‌رسد اگر سهامدار با چنین شرکتی دست به مناسبات تجاری بالاتر از حد توان شرکت بزند، شرکت را ابزار و وسیله تجارت شخصی خود قرار داده، قطعاً باید از باب سوءاستفاده از ساختار مسئولیت محدود، مسئول شناخته شود؛ زیرا در چنین وضعیتی سهامدار با علم به کارآمد نبودن شرکت، صرفاً آن را وسیله مقاصد خود قرار داده و با توجه به اینکه شرکت تجاری حاصل یک عقد یا توافق بین مؤسسان است و عقد نیز از قصد طرفین تبعیت می‌کند، پس می‌توان بر آن بود که تشکیل چنین شرکتی که از آغاز معلوم است، نمی‌تواند به علت فقدان یا عدم تناسب سرمایه کارآمد باشد، برخلاف قصد

۱. حبیب رضانی آکردی و محمد عیسائی تفرشی، «نظریه تعمیق ناتوانی شرکت تجاری در پرداخت دین (مطالعه در حقوق آمریکا و ایران)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۲۱، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۶): ۷۵-۱۰۸.

مشترک متعاقدين عقد شرکت است؛ زیرا آنچه مورد قصد ایشان بوده (تشکیل یک شرکت کارآمد مناسب با اهداف اقتصادی و موضوع شرکت) به واسطه پیش‌بینی سرمایه نامتناسب، محقق نشده است و آنچه محقق شده (تشکیل شرکتی با سرمایه نامتناسب)، مطابق و متناسب با اهداف پیش‌بینی شده در موضوع شرکت نبوده است. در واقع، شرکت می‌خواهد اهداف مقرر در اساسنامه را بدون سرمایه انجام دهد که امری ناممکن است. در چنین وضعیتی گفته می‌شود که سهامدار شخصیت حقوقی شرکت را نادیده گرفته و صرفاً فعالیت تجاری شخصی خود را تحت پوشش شرکت انجام داده است؛ زیرا تشکیل چنین شرکتی جز به طریق صوری و به‌عنوان پوششی برای تجارت شخصی سهامدار قابل توجیه نیست.

از سوی دیگر، ناکافی بودن سرمایه شرکت گاه در حین فعالیت شرکت حادث شده و زمانی محقق می‌گردد که یا بر اثر زیان‌های وارده دارایی شرکت از دست برود و یا شرکت قراردادهای تعهداتی بسیار فراتر از توان و سرمایه خود بر عهده بگیرد. وضعیت اخیر دقیقاً مانند زمانی است که شرکت با سرمایه ناچیز و نامتناسب با اهداف و موضوع مدنظر تشکیل شود؛ زیرا وقتی سهامداران و مدیران تعهداتی به‌مراتب بالاتر از توان شرکت قبول می‌کنند، این امر مفهومی جز این ندارد که بر دارایی‌های شخصی خود برای انجام تعهدات مازاد بر توان شرکت حساب کرده‌اند؛ زیرا اگر جز این تلقی شود، عملشان از مصادیق مجرمانه فریب دادن و امیدوار کردن دیگران به وجود شرکت، اموال، اعتبارات و امور واهی و غیرواقعی است و اگر با بردن مال غیر همراه باشد، مشمول ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری خواهد بود؛ زیرا کسی که با علم به توان مالی شرکت تعهداتی ایجاد کند که ایفای آن از سوی شرکت از نظر عقلی و عملی ناممکن است، برفرض اینکه سوءنیت در بردن بلاعوض مال غیر نداشته باشد، به‌طور تلویحی به خرق اختیاری حجاب شرکت رضایت داده، بر دارایی‌های شخصی خود برای پاسخگویی به دیون شرکت حساب کرده است، اما در فرضی که بر اثر زیان‌های وارده دارایی شرکت کاهش قابل توجه پیدا کند، قانون‌گذار در ماده ۱۴۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت کاهش دارایی شرکت به نصف مبلغ اسمی سرمایه را از موجبات کاهش اجباری سرمایه و درنهایت از موجبات انحلال شرکت دانسته، در ماده ۲۶۵ همان قانون برای مدیرانی که مجمع عمومی را در جهت کاهش سرمایه یا انحلال شرکت دعوت نکنند، مجازات پیش‌بینی کرده است. در حقوق ایران، برای مدیران و سهامداران مسئولیت شخصی در این فرض پیش‌بینی نشده است، اما از آنجایی که جرم موضوع ماده ۲۶۵ از نوع مادی محض است و اثبات سوءنیت در آن لازم نیست، دارای طبع مدنی است؛ بنابراین از باب ضرر و زیان ناشی از جرم، می‌توان خسارات وارده را از آن‌ها مطالبه کرد.

مسئولیت شرکت مادر به واسطه کنترل شرکت فرعی فاقد سرمایه کافی... / احمدی نیا و ... ۱۰۱

بنابراین، می‌توان گفت خرق حجاب شرکت بر اثر عدم کفایت سرمایه، حاصل یک تراضی ضمنی و نوعی خرق حجاب اختیاری است؛ زیرا شرکت مادر که دانسته و با علم، شرکت فرعی فاقد سرمایه را برای اهداف نامناسب با سرمایه شرکت به کار می‌برد، در واقع با طرف معامله تراضی ضمنی کرده است که خود عهده‌دار اجرای تعهدات باشد یا این چنین وانمود و القاء کرده است که اجرای تعهدات را پشتیبانی و تضمین می‌کند و طرف معامله نیز با اعتماد به این ظاهر و شروط بنایی با شرکت فرعی او وارد معامله شده است. پس در این فرض، خرق حجاب شرکت و مسئولیت شرکت مادر در چهارچوب قرارداد در قالب شروط بنایی قابل توجیه است.

۲-۲. مسئولیت ناشی از نظارت و کنترل

گذشته از مبانی قراردادی، شرکت مادر از حیث قواعد ضمان قهری نیز به دلیل ترک وظیفه نظارت و مراقبت، مسئولیت خواهد داشت. مسئولیت ناشی از نظارت و کنترل در مواد ۷ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، در خصوص کسانی که نگهداری از محجورین را بر عهده دارند، در صورت تقصیر در نگهداری و ترک وظیفه مراقبت از آن‌ها و همچنین مسئولیت کارفرما در مورد اقدامات کارکنان در حین انجام وظیفه پیش‌بینی شده است. افزون بر آن در مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مدنی و مواد ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۲۸ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی در باب مسئولیت ناشی از اشیاء، ماده ۱ قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی در باب مسئولیت دارنده اتومبیل و ماده ۳۸۸ قانون تجارت در باب مسئولیت متصدی حمل و نقل، همگی ناظر بر مسئولیت ناشی از افعال دیگران یا اشیاء هستند و به‌طور کلی، این مواد و دیگر مقررات پراکنده، این امکان را فراهم می‌نمایند که مسئولیت ناشی از ترک نظارت و کنترل و استفاده ابزاری از شرکت فرعی را در شرکت‌های گروهی، به‌عنوان یک قاعده حقوقی در حقوق ایران بپذیریم و مواد مرتبط در قوانین مختلف را مصداقی از این قاعده بدانیم.

از نظر حقوقدانان، قواعدی که به‌منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت وضع می‌شوند، الزام‌آورند.^۱ در نتیجه، می‌توان بر آن بود که مسئولیت ناشی از کنترل و نظارت در شرکت‌های گروهی برای شرکت کنترل‌کننده به‌عنوان یک قاعده ثابت است؛ به این معنا که هرکجا رابطه تبعیت بین اشخاص وجود داشته باشد، نه تنها تابع به جهت ارتکاب فعل زیان‌بار مسئول است، بلکه متبوع نیز به دلیل اقتداری که بر تابع دارد، مسئول تلقی می‌شود.^۲ از منظر قانون، صیانت از سرمایه

۱. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵)، ۵۸-۵۹.
۲. علیرضا یزدانیان، «نظریه‌ی عمومی مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع در حقوق فرانسه و طرح آن در حقوق ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ۷۶، شماره ۷۷ (بهار ۱۳۹۱): ۳۵-۶۸.

ثبت شده شرکت، هم در آغاز تشکیل شرکت و هم در ادامه حیات آن الزامی است. از نظر عرف نیز سهامدار وظیفه دارد مراقبت لازم را در خصوص تناسب سرمایه با موضوع و اهداف شرکت بنماید؛ چراکه به کارگیری شرکت فاقد سرمایه کافی نوعی ترک وظیفه و سوء استفاده از امتیاز مسئولیت محدود به شمار می آید که از مصادیق تقصیر و موجب ضمان است و در صورتی که عامدانه و به قصد بردن مال غیر یا فرار مالیاتی و امثال آن باشد، وصف مجرمانه نیز خواهد داشت.

نتیجه گیری

۱. در حقوق آلمان، عضویت در گروه شرکتها و اعمال کنترل شرکت مادر بر شرکت های فرعی و به کارگیری شرکت فرعی با سرمایه ناکافی و غیرمتناسب با نوع فعالیت، از موجبات مسئولیت شرکت مادر در برابر طلبکاران شرکت فرعی شناخته شده است که به نظر می رسد همین نتیجه با توسل به قواعد مسئولیت مدنی و قواعد مسئولیت قراردادی با استدلال های متفاوت به شرحی که بیان گردید در حقوق ایران قابل اعمال است؛ زیرا اگرچه مبانی ساختاری حقوق آلمان که در مواردی حتی صرف عضویت و قرار گرفتن در گروه شرکتها را موجب مسئولیت شرکت مادر در برابر شرکت های فرعی می داند، در حقوق ایران قابل پذیرش نیست، لیکن مبانی رفتاری حقوق آن کشور نظیر مسئولیت به واسطه نمایندگی، سوء استفاده از حق و قواعد مسئولیت مدنی با حقوق ایران قابل انطباق به نظر می رسد. تفاوت حقوق آلمان با ایران در این است که مسئولیت شرکت مادر به دلیل به کارگیری شرکت با سرمایه ناکافی در حقوق آن کشور، عنوانی مستقل را به خود اختصاص داده است که آن را از دیگر کشورها در این زمینه متمایز می سازد.

۲. در حقوق ایران، مسئولیت ناشی از به کارگیری شرکت با سرمایه ناکافی و نامتناسب را پیش از هر چیز می توان به مبانی قراردادی و قصد مشترک متعاقدین نسبت داد؛ چراکه وقتی سهامدار یا مدیر، شرکت تشکیل شده با سرمایه اندک را در کارهای تجاری غیرمتناسب با سرمایه شرکت به کار می برد، چنین برداشت می شود که شرکت صرفاً به عنوان ابزار انجام معامله و به عنوان پوششی برای معامله صاحب شرکت به کار رفته است و در واقع، مالک و کنترل کننده شرکت بر دارایی شخصی خود برای تأدیه دیون ایجاد شده برای شرکت حساب کرده و با طرف مقابل برای خرق حجاب اختیاری شرکت تراضی تلویحی کرده است. این تراضی ضمنی یا شرط بنایی بر خرق حجاب اختیاری مبتنی بر فرض صحت عمل و حسن نیت سهامدار است؛ زیرا اگر به کارگیری شرکت با سرمایه ناچیز، با قصد بردن مال غیر باشد، می تواند پیامدهای کیفی و مسئولیت مدنی برای مرتکب را از باب سوء استفاده از حق به همراه داشته باشد. همچنین، اگر شرکت فرعی فعالیت های مستقلی نداشته باشد و صرفاً به عنوان مسئول فروش یا تدارکات شرکت مادر عمل

مسئولیت شرکت مادر به واسطه کنترل شرکت فرعی فاقد سرمایه کافی... / احمدی نیا و ... ۱۰۳

کند، از باب نظریه نمایندگی کل عملیات آن قابل انتساب به شرکت مادر خواهد بود؛ زیرا اعمال نماینده منتسب به اصیل است.

۳. در مواردی که شرکت فرعی روابطی جز با شرکت مادر ندارد و صرفاً به منظور مدیریت فروش یا تدارکات شرکت مادر تشکیل شده است و به عنوان بخشی از شرکت مادر برشمرده می شود، مسئولیت شرکت مادر در قبال دیون و تعهدات شرکت فرعی وضوح بیشتری دارد؛ زیرا در این فرض شرکت فرعی صرفاً به عنوان ابزار شرکت مادر به کار رفته است و در اینجا فرض نمایندگی شرکت فرعی از شرکت مادر قوت می گیرد و اعمال نماینده متوجه اصیل خواهد بود. در حقوق آلمان در این فرض مسئولیت با نظریه ادغام قابل توجیه است.

۴. در باب مسئولیت قهری ناشی از ترک وظیفه کنترل و نظارت نیز بنا بر آنچه گفته شد، شرکت مادر که شرکت فرعی را به منظور اجرای اهداف و مقاصد خود تشکیل می دهد، عرفاً وظیفه مراقبت لازم را در خصوص تناسب سرمایه با موضوع و اهداف شرکت معمول دارد و به کارگیری شرکت های فاقد سرمایه و صوری و کاغذی به عنوان سرپوشی برای فعالیت های شخصی یا فرار مالیاتی یا مغبون کردن اشخاص طرف معامله و مواجه ساختن آنها با شرکت فاقد توان و ورشکسته، نه تنها ترک وظیفه عرفی و تقصیر شمرده می شود، بلکه در مصادیق عامدانه آن وصف مجرمانه نیز دارد.

همچنین، پیش تر گفته شد که مسئولیت ناشی از نظارت و کنترل در حقوق ایران محدود به موارد مصرح در قانون نبوده و پذیرش این مسئولیت در قوانین متعدد و متنوع حقوقی و جزایی بیانگر آن است که مسئولیت ناشی از ترک نظارت و کنترل در جایی که شخص عرفاً یا به موجب قانون یا قرارداد وظیفه نظارت دارد، تقصیر محسوب شده، مستوجب مسئولیت است. از سوی دیگر، به کارگیری شرکت فاقد سرمایه مناسب از سوی شرکت مادر، آن را از باب ضمان قهری مسئول می سازد؛ چراکه نظریه منع سوء استفاده از حق مانع سوء استفاده شرکت مادر از امتیاز مسئولیت محدود می گردد.

پیشنهادها

با وجود حکومت و ورود قواعد یادشده بر اصل استقلال شخصیت حقوقی و قاعده مسئولیت محدود، باز هم رویه قضایی در اعمال قواعد ثانویه و کنار زدن قواعد اولیه که بی تردید آنها نیز نقشی مهم در اقتصاد کلان دارند، مردّد است. در نتیجه، تعیین تکلیف دقیق درباره موضوع و جلوگیری از تشّت آراء و رویه ها در این خصوص، مداخله قانون گذار را می طلبد که در راستای ساماندهی به اوضاع و جلوگیری از تشکیل شرکت های کاغذی، افزون بر افزایش مبلغ حداقل

سرمایه برای تشکیل شرکت و طبقه‌بندی شرکت‌ها از حیث حداقل سرمایه با توجه به نوع و رشته فعالیت، در این راستا قوانین و مقرراتی را وضع نماید که تعادل بین قواعد اولیه (استقلال شخصیت حقوقی و قاعده مسئولیت محدود) و قواعد ثانویه که مانع سوء استفاده از قواعد اولیه هستند، برقرار شود. برای تحقق این مهم پیشنهاد می‌شود:

۱. در صورتی که شرکت مادر یا هر شخص دیگری به عنوان سهامدار، مدیر رسمی، مدیر عملی، مدیر سایه یا هر عنوان دیگر، اداره یا کنترل شرکت را بر عهده داشته باشد و شرکت ورشکسته یا منحل شود و دارایی شرکت برای اداء دیون آن کافی نباشد، اشخاص یادشده که ناکافی بودن دارایی شرکت معلول تقلب، تقصیر یا سوء مدیریت ایشان است، منفرداً یا متضامناً با شرکت یا دیگر مدیران، مسئول تأدیه آن قسمت از دیون و تعهدات شرکت هستند که به واسطه اقدامات و تعهدات ایشان، بلاوصول یا بلا اجرا مانده است.

۲. چنانچه شرکت مادر، سهامدار و یا هر یک از مدیران؛ اعم از رسمی، عملی و سایه، از شرکت صرفاً به عنوان ابزاری در راستای منافع یا اهداف خود استفاده کنند یا ظاهر شرکت را پوششی برای فعالیت‌های شخصی خود قرار داده، پشت نقاب شرکت مخفی شوند یا شرکت صرفاً به عنوان بخشی از شرکت اصلی یا نماینده سهامدار خود عمل کند، به گونه‌ای که اعمالش اصالتاً برای خودش نباشد یا شرکت صوری و کاغذی تشکیل دهد و یا شرکت با سرمایه بسیار اندک و ناکافی را برای امور نامتناسب با سرمایه شرکت به کار گیرد، شخصاً و در صورت تعدد، متضامناً مسئول دیون و تعهدات شرکت خواهند بود و برقراری این مسئولیت منوط به انحلال و تصفیه و احراز کافی نبودن اموال شرکت نیست.

۳. در صورتی که دو یا چند شرکت برای نیل به اهداف یا منافع مشترک، با یکدیگر به صورت بالفعل یا بر طبق قرارداد مشارکت نمایند یا اموال و دارایی‌های آن‌ها با یکدیگر مختلط شود؛ به گونه‌ای که قابل شناسایی نباشد یا اشخاص ثالث را در رابطه با هویت خود به اشتباه بیندازند و یا از طریق سربرگ، نشانی، مهر و دیگر راه‌ها، مجموعه خود را به عنوان یک واحد اقتصادی معرفی کنند، به نحو تضامنی در برابر کارکنان مجموعه و اشخاص ثالث، مسئول اجرای تعهدات یا تأدیه دیون مشارکت خواهند بود. مسئولیت بین اعضای گروه نسبی خواهد بود.

۴. سهامدارانی که شرکت را با سرمایه ناکافی و نامتناسب با موضوع و اهدافش تشکیل دهند و یا شرکت را در معاملاتی که خارج از توان مالی و اعتباری آن است به کار گیرند، شخصاً و متضامناً در برابر طلبکاران شرکت مسئول تأدیه دیون و اجرای تعهدات شرکت هستند.

مسئولیت شرکت مادر به واسطه کنترل شرکت فرعی فاقد سرمایه کافی... / احمدی نیا و ... ۱۰۵

کتابنامه

الف. کتب و مقالات

الف-۱. فارسی

احمدی نیا، فرشته. «بررسی تطبیقی مسئولیت شرکت مادر در برابر اقدامات شرکت های تابعه در حقوق ایران، حقوق اتحادیه اروپا و انگلستان» رساله دکترا، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۸.
احمدی نیا، فرشته، رسول مظاهری کوهانستانی، و منوچهر توسلی نائینی. «بررسی تطبیقی مبانی خرق حجاب شرکت در حقوق انگلستان، ایالات متحده آمریکا و ایران»، مطالعات حقوقی ۱۱، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۸): ۱-۳۵.

<https://dx.doi.org/10.22099/jls.2019.5202>.

اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت شرکت های تجاری: جلد اول. تهران: نشر سمت، ۱۳۹۵.
قنبری جهرمی، محمدجعفر، و رحیم باغبان. «اقامه دعوا علیه بنگاه های چندملیتی: مسئولیت اجتماعی شرکت ها، چالش ها»، فصلنامه تحقیقات حقوقی ۱۷، شماره ۶۷ (آذر ۱۳۹۳): ۱۸۹-۲۱۴.

جنیدی، لعیما، و ملیحه زارع. «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران: تحلیل مسئولیت مدیران شرکت های سرمایه در قبال دیون پرداخت نشده شرکت»، مطالعات حقوق تطبیقی ۶، شماره ۱ (فروردین ۱۳۹۴): ۸۵-۱۰۵.

<https://dx.doi.org/10.22059/jcl.2015.54403>.

حسن زاده، بهرام. «تأملی بر علل ایجاد شرکت های صوری از منظر ثبت شرکت ها»، پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت ۳، شماره ۵ (بهار و تابستان ۱۳۹۵): ۱۱-۲۸.
رضائی، علی. «مبانی مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابع (مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی انگلیس و ایران)»، پژوهش های حقوق تطبیقی ۲۱، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۶): ۳۷-۷۴.
رضائی، علی. «مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه (مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، بلژیک و ایران)»، مطالعات حقوق تطبیقی ۸، شماره ۱ (فروردین ۱۳۹۶): ۱۵۱-۱۷۷.

<https://dx.doi.org/10.22059/jcl.2017.62528>

شهبازی نیا، مرتضی، محمد عیسایی تفرشی، کوروش کاویانی، و اسماعیل فرجی. «عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس»، حقوقی دادگستری ۷۵، شماره ۷۴ (تابستان ۱۳۹۰): ۹-۳۹.

<https://dx.doi.org/10.22106/jlj.2011.11082>.

رضانی آکردی، حبیب، و محمد عیسایی تفرشی. «نظریه تعمیق ناتوانی شرکت تجاری در پرداخت دین (مطالعه در حقوق آمریکا و ایران)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۲۱، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۶): ۷۵-۱۰۸.

کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.

یزدانیان، علیرضا. «نظریه‌ی عمومی مسؤولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع در حقوق فرانسه و طرح آن در حقوق ایران»، مجله حقوقی دادگستری ۷۶، شماره ۷۷ (بهار ۱۳۹۱): ۳۵-۶۸.

الف-۲. لاتین

Alting, Carsten. "Piercing the Corporate Veil in American and German Law-Liability of Individuals and Entities: A Comparative View". *Tulsa Journal of Comparative and International Law* 2, no. 187 (2008): 210-240.

Antunes, José Engrácia. "The Liability of Polycorporate Enterprises". *Connecticut Journal of International Law* 13, no. 197 (2005): 1-25.

Behrens, Peter. "Der Durchgriff über die Grenze". *RabelsZ* 46, no. 2 (2005): 308-356.

Blumberg, Phillip I. "The Law of Corporate Groups- Substantive Law". In: *Parent Responsibility for Subsidiary Corporations: Evaluating European Trends*, edited by Karl Hofstetter, 462-463. U.S: International and Comparative Law Quarterly, 2013.

Cahn, Andreas. "Die Ausfallhaftung des GmbH-Gesellschafters. Besprechung der Entscheidung BGHZ 150, 61". *ZGR* 32, no. 2 (2012): 298-315.

Dine, Janet. *The Governance of Corporate Groups*. Cambridge: Cambridge University Press, 2006.

Emmerich, Volker, Jürgen Sonnenschein, and Mathias Habersack. *Konzernrecht: Das Recht der verbundenen Unternehmen bei Aktiengesellschaft, GmbH, Personengesellschaften, Genossenschaft, Verein und Stiftung*. München: Verlag C.H. Beck, 2012.

Emmerich, Volker. "Der Heutige Stand der Lehre vom GmbH-Konzernrecht". *AG* 32, no. 1 (2012): 220-250.

Eskini, Rabia. *Business Law of Commercial Companies: Volume 1*. Tehran: Samt Publications, 2016.

Griffin, Stephen. "Holding Companies and Subsidiaries - the Corporate Veil". *Comp. Lawyer* 12, no. 5 (2012): 1-17.

Großfeld, Bernhard. "Die Anerkennung der Rechtsfähigkeit juristischer Personen". *RabelsZ* 31, no. 1 (2010): 590-597.

مسئولیت شرکت مادر به واسطه کنترل شرکت فرعی فاقد سرمایه کافی... / احمدی نیا و ... ۱۰۷

- Hachenburg, Max. *Gesetz Betreffend die Gesellschaften mit Beschränkter Haftung (GmbH). Großkommentar*. Edited by Peter Ulmer. Berlin/New York: De Gruyter, 2005.
- Hofstetter, Karl. "Parent Responsibility for Subsidiary Corporations: Evaluating European Trends". *The International and Comparative Law Quarterly* 39, no. 3 (July 2010): 576-598.
- Katouzian, Nasser. *Introduction to Law and Study in the Iranian Legal System*. Enteshar Publications, 2006.
- Koppensteiner, Hans Georg. *Internationale Unternehmen im deutschen Gesellschaftsrecht*. Frankfurt: a.M. Athenaum, 2014.
- Krieger, Gerd. "Kann die Praxis mit TBB Leben?" . *ZGR* 23, no. 3 (2005): 140- 50.
- Lee, Handel, and David Blumental. "Parent Company and Shareholder Liability: 'Piercing the Corporate Veil' of Chinese Corporate Subsidiaries". *Business Law International* 5, no. 2 (2012): 223-235.
- Lennarts, Marie-Louise. *Concernaansprakelijkheid*. Deventer: Kluwer, 2011.
- Lutter, Marcus, and Peter Hommelhoff. *GmbH-Gesetz. Kommentar*. Köln: Verlag Dr. Otto Schmidt, 2003.
- Lutter, Marcus. "Die Haftung wegen Existenzvernichtung". *ZGR* 32, no. 3 (2003): 259-271.
- Miller, Sandra. "Piercing the Corporate Veil among Affiliated Companies in the European Community and in the U.S: A Comparative Analysis of U.S., German and U.K. Veil Piercing Approaches". *American Business Law Journal* 36, no.1 (2006): 73-149.
- Motomura, Hiroshi. "Protecting Outside Shareholders in a Corporate Subsidiary: a Comparative Look at the Private and Judicial Rules in the United States and Germany". *WIS.L.REV* 61, no. 17 (2005): 62-105.
- Schiessl, Maximilian. "The Liability of Corporations and Shareholders for the Capitalization and Obligations of Subsidiaries in German Law", *Northwestern Journal of International Law and Business* 7. no. 3 (2013): 455-506.
- Schmidt, Karsten. "Gesellschafterhaftung und 'Konzernhaftung' bei der GmbH. Bemerkungen zum 'Bremer Vulkan' -Urteil des BGH vom 17.9. 2001". *NJW* 3577, no. 3580 (2001): 240-269.
- Stimpel, Walter. "Die Rechtsprechung des Bundesgerichtshofes zur Innenhaftung des Herrschenden Unternehmens im GmbH-Konzern". *AG* 2, no. 1 (2000): 241-249.
- Tolmie, Fiona. *Introduction to Corporate and Personal Insolvency Law*. London: Sweet & Maxwell, 2012.

- Ulmer, Peter. "Glaubigerschutz im 'Qualifizierten' Faktischen GmbH-Konzern. Bemerkungen zum 'Autokran' - Urteil des BGH vom 16.9.2005". *NJW* 41, no. 5 (2005): 1562-1587.
- Vandekerckhove, Karen. *Piercing the Corporate Veil*. United States: Kluwer Law International, 2007.
- Vonneman, Wolfgang. "Die Haftung im Qualifizierten Faktischen GmbH-Konzern". *BB* 10, no. 6 (2012): 189-199.
- Weber-Rey, Daniela. "Insolvency of a German Limited Company: De Facto Shareholders, Group Liability for Individual Shareholders". *Pace Int'L. Rev* 7, no. 2 (2011): 521-532.
- Wooldridge, Frank. "Controlling Shareholders' Liabilities in German Private Companies". *Company Lawyer* 26, no. 81 (2012): 281-297

